

ویاوان ابله وسترک جامه وشفوت یعنی آشوفته وزارم یعنی
 کذارم ویمارش بیمارش وینشن دیدن وزرک بزرک ویند بیند
 وانک بانک وداختن گداختن وداخت یعنی گداخت وتره
 بتر بود ویراستن آراستن وزن دیوی است که او شهوت
 5 غالب کند وردینید جدا ودرور کردن وناه یعنی کناه وچارش
 یعنی کذارش واینوم ویدا سازد یعنی ناپیدا کنم وشدگان
 یعنی خراب کنندگان وشد یعنی پیدا کرد
 باب الها¹ هما یعنی تمام هیو نیک هیار یار هوششان
 10 گروه هنرمندان باشد هاون هاونیم که آلات یرشن گاه است
 هیم نیک کار هیزوان زبان هیم هوم را کویند هوم پالاهوم
 پیاله را کویند وهیم بیاله هم کویند هیم درون هوم درون
 بود هلاز صنج کردن هوشت وهوست شاکرد یعنی مُرید را
 کویند هاوستان مُریدان هلد بگذار هلد یعنی بگذار
 هرنکهرم هزار هیجری هی هر باشد یعنی نسای زنده هیجرکرای
 15 هی هرها هماوند بیئتل هبانه نکهبان هوا حرص ونام زن
 زرتشت پیغمبر بود هستن یعنی که ایشان اکنون هستند
 هیات وهیت یعنی علم هندسه هوزومند زورمند هشتن
 20 کداشتن همستار یعنی زد شکست کننده همت نیت نیک
 هوخت گفتار نیکو هورشت کردار نیکو هو هیم نیک کار وحلیم
 هور موافقت بود هر وسنی هر کونه هخیی یعنی همیشه
 هخشیی هم کویند هیشم نام دیو است که او مغروری میکند
 هند یعنی هستند هبوب نام پدر جاماسپ است هورم
 یعنی خوش وخرم هوچشم نیک نظر هوا باد را کویند وزن
 زرتشت پیغمبر را کویند وهوا که در میان آسمان وزمین
 25 است هوپارد پوپارد یعنی بزیر کلو فرو برد هورمیه خداوند
 نیک رمه را کویند

¹ Der Anfang des باب الها findet sich auch auf Bl. 137^b zwischen Cap. m und n, ist aber wieder ausgestrichen.